



بسم الله الرحمن الرحيم

بسیار جلسه‌ی شیرین و لذتبخشی بود برای من این جلسه‌ی امروز شما عزیزان. بحمدالله در حد نصاب بود. در عمده‌ی بخشهای مهم عزیزانی، سرآمدانی، برگزیدگانی، مطالبی بیان کردند که من بهره‌مند شدم. و ان شاءالله آنچه که دوستان تذکر دادند یا توصیه کردند یا درخواست کردند، جمع‌آوری خواهد شد و به مسئولین سفارش خواهد شد و آن بخشهایی که مستقیماً به خود ما ارتباط داشته باشد، ان شاءالله دنبال خواهد شد.

آنچه علی‌العجله از چنین جلسه‌ی عاید ما و عاید ملت ایران میشود، توجه و تنبه به این ذخیره‌ی عظیم نیروی انسانی است. غرض من هم از تشکیل این جلسه در سفرهای گوناگون همین است. در همه‌ی سفرها ما اصرار داریم با جمع نخبگان آن استان، نشست صمیمانه‌ای به همین شکل داشته باشیم. مقصود این است که به خودمان و به بعضی از دل‌های دیرپاور بفهمانیم که چقدر این منبع عظیم نیروی انسانی در کشور، ذخّار و پربار و مالمال است. با انعکاس این جلسه در سطح ملی و سطح کشور یک بار دیگر، یک برگ دیگر بر این کتاب افتخارات ملی ما افزوده خواهد شد و بر آن تأکید خواهد شد. مقصود ما هم همین است.

این جلسه بیشتر برای شنیدن من است و ای کاش وقت وسعت میداشت تا میتوانستیم از تعداد بیشتری از شما عزیزان بشنویم. آنچه شنیدم، برای من بسیار مغتنم و شیرین بود. یقیناً اگر بیش از این هم میشنیدیم، همین جور بود.

و اما آنچه من میخواهم عرض کنم، این است که چشم انداز حرکت ملت ایران با این زمینه‌ای که مشاهده میکنید، چشم انداز بسیار روشنی است؛ هم میراث گذشته‌ی ما، هم موجودی استعداد بسیار ارزنده‌ی ما، هم همت و انگیزه‌ای که در بیانات دوستان این جلسه به طور واضح این انگیزه و این اهتمام احساس میشود و هم گرایش دینی و خدائی در این حرکت، همه در مجموع یک ثروت عظیم ملی است برای ما. همه‌ی اینها به ما نوید میدهد که ما ان شاءالله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را برای این دوره و برای امت اسلامی در این زمان بار دیگر سر دست بیاوریم و الگوئی را برای حرکت امت اسلامی ان شاءالله ارائه بدهیم.

فارس و شیراز همچنانی که دوستان عزیز بیان کردند، یک سرزمین بسیار غنی است. بنده تصدیق میکنم؛ هم در زمینه‌ی علم، هم در زمینه‌ی ادب، هم در زمینه‌ی هنر، هم در زمینه‌ی مسائل مربوط به فعالیتهای تولیدی - چه کشاورزی، چه صنعتی - بخصوص در فصل جدید صنعتی که امروز دنیا به دنبال آن هست، یک استان پیشتاز و یک مجموعه‌ی مقدم و برجسته است بدون تردید. آنچه میتواند برای آینده‌ی ما امیدبخش باشد، همین است که بحمدالله شعار نوآوری که لازمه‌ی نوآوری هم همین شکوفائی استعدادها و ثمربخشی سرمایه‌گذاری‌های قبلی است - یک شعار حقیقی است - شعار زمان و نیاز روز ماست. همه‌ی قرائن هم این را نشان میدهد. نوآوری یک نیاز کنونی حرکت کشور است. نوآوری به معنای خط بطلان کشیدن بر گذشته نیست؛ بلکه به معنای تکیه کردن به گذشته برای بنای آینده است. و این احتیاج دارد به اینکه همه‌ی همت ما، همه‌ی تلاش ما متوجه به این باشد که ما باید این کشور و این تاریخ را بسازیم.



امروز مسئولیت بزرگی بر دوش ملت ایران است و هرگز مثل امروز ملت ما بر سرنوشت خود حاکم نبوده. در طول سالهای متمادی و دورانهای گوناگون تاریخ، آن کسانی که با تاریخ این کشور آشنا هستند، این را تصدیق میکنند. ملت همیشه وسیله ای بوده است در اختیار حکمرانان؛ بستگی به این داشته که آن حکمران، صاحب حکمت، درایت، اراده ی قوی باشد یا نباشد؛ و این اراده به کدام سو منعطف و متوجه شود. ملت از خود ابتکاری برای هدایت کشور نداشت. این همه استعداد مترکمی که در این ملت وجود داشته است و آنچه در تاریخ برای ما باقی مانده، تراوشهائی است که از يك ذخیره ی عظیم زیرزمینی به قدر همت حکمرانان خود را بروز میداده. یعنی آحاد مردم، عالمان جامعه، فیلسوفان، ادیبان، هنرمندان، طبقات مختلف کشور سیاستگذار و تصمیم گیر درباره ی سرنوشت کشور نبودند. يك روز خواست حاکم اقتضاء میکرده جنگ را، تهاجم را، قلمرو جدیدی را بر قلمروهای کشور افزودن؛ حرکت در این جهت بود. يك روز اقتضاء میکرده عقب نشینی را، باز هم همت و اراده ی مردم نمیتوانسته غلبه کند بر بی همتی آن حکمرانی که معتقد به عقب نشینی بوده. قیامهائی صورت گرفته، مقاومتهائی شده، اما حرکت عظیم دسته جمعی ملی، ما در طول تاریخ کشورمان در جهت هدایت این کشور به سمت اهداف خودش، اهدافی که مورد علاقه و دلبستگی ملت باشد، سراغ نداریم. این دوره يك فصل جدیدی است در تاریخ ملت ایران.

امروز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران نظام جمهوری اسلامی، تفاوت جوهری و اصلی در همین است. تفاوت در این است که نظامهای حاکمیت فردی به نظام اراده ی ملی؛ اراده ی جمع تبدیل شده و اساس تفاوت در این است. و بحمدالله این اراده ی جمعی با هدایت اسلام و با اشاره ی دین و آیات الهی پیش میرود و برنامه ریزی میکند؛ این را باید مغتنم بشمارید. امروز هر آنچه در گنجینه ی تمام نشدنی استعداد ملت ایران ذخیره وجود دارد، میتواند در خدمت پیشرفت سریع این کشور قرار بگیرد.

بنابراین ما لحظه به لحظه احتیاج به نوآوری داریم؛ نه فقط نوآوری در صنعت یا کشاورزی، نوآوری در روشهای گوناگونی که برای زندگی يك ملت ممکن است مطرح شود؛ بروز استعدادها، شکوفا شدن فکرها و ذهنها. ما يك ملت عقیم نیستیم بحمدالله. ملت ما، ملتی است که تاریخ او نشان میدهد که پیش رونده و زاینده و دارای استعداد است؛ بنابراین میتوانیم. ما از دنیا دویست سال عقب ماندیم. این واقعیت تلخی است که باید این را قبول کنیم. عامل این عقب ماندگی چه بود، يك بحث دیگر است؛ واقعیت این است؛ واقعیت این است که ما دویست سال - حداقل - از قافله ی پیشرفتهای بشری عقب ماندیم. همه ی آنچه که شما شنیدید و مشاهده میکنید و آنچه که وجود دارد - که بمراتب بیشتر از آن چیزی است که در این جلسه بیان شد، در سطح کشور، از فعالیتهای، از کارها، از نوآوریها - اینها همه در مجموع، بخشی از این عقب ماندگی ها را میتواند جبران کند و اگر استمرار پیدا کند و افزایش پیدا کند و این فعالیتهای نوآوری و همت ما مضاعف شود، آن وقت خواهیم توانست جایگاه خودمان را پیدا کنیم.

عقب ماندگی يك ملت، درد بزرگی است، بیماری سختی است. این بیماری را با همت بلند و با تلاش پیگیر باید علاج کرد و درمان بخشید. مهم این بود که ما به خود بیائیم و این بیماری را تصدیق کنیم، و پس از آن برای علاج این بیماری همت بگماریم؛ اینها حاصل شده است. ملت ایران به خود آمده، احساس کرده است که بایستی جایگاه خودش را پیدا کند و احساس کرده که در گذشته - سالهای طولانی - ده ها سال دچار عقب ماندگی و غفلت بوده؛ ملت ایران این را احساس کرده. در خواب خوش - آن جوری که سعی میشد در دوران طاغوت، برای ما تدارک ببینند - باقی نماند. آن روز چشمهای ما را مثل انسانهای مست، تخدیر شده بسته بودند؛ با تکرار دروازه ی تمدن بزرگ و از این حرفها، بدون اینکه يك قدم بر داریم، ما را در عالم توهّم نگه داشته بودند و متوقف بودیم. توقف هم به معنای عقب ماندن است؛ چون دنیا که منتظر ما نمیماند؛ دنیا به سرعت پیش میرفت، ما متوقف بودیم.

این حالت تخدیرزدگی و مستی، بحمدالله تمام شد؛ ملت ما به خود آمد؛ حرکت عظیم انقلاب، ما را به هوش آورد.



جوانان ما، امروز احساس میکنند که بایستی در این راه شتابان پیش بروند؛ باید بدونند. هم نیروی دوییدن در آنها هست، هم همت هست، هم راه روشن است؛ بنابراین بایستی پیش برویم. دانشگاه ها، حوزه های علمیه، مراکز تحقیقاتی، مسئولان ذی ربط، همه ی اینها، هر کدام مسئولیتهای سنگینی بر دوش دارند؛ این مسئولیتهای مشخص هم هست. و بحمدالله می بینیم که حرکت آغاز شده و روزه روز ان شاءالله پیش خواهیم رفت.

آنچه که به عنوان توصیه، دوستان بیان کردید، غالباً هم عملی است و میتواند جامه ی عمل بپوشد، هم درست و مفید است؛ و ان شاءالله امیدواریم که اینها انجام بگیرد. آنچه من باز هم مثل همیشه توصیه میکنم، در درجه ی اول این است که شما زبندگان، نخبگان در هر بخشی که هستید، روزه روز درجه ی امید را بر روی خودتان بیشتر باز کنید و به نسل جوان بیشتر امید بدهید. سم مهلکی است سیاه نمائی و ناامیدسازی و آینده را تاریک نشان دادن؛ و این سم مهلك به وسیله ی تبلیغات معارض و خصمانه، سعی میشود در کشور پراکنده شود؛ با این مبارزه کنید.

همه ی نشانه ها مژده ی امید به ما میدهند؛ مژده ی پیشرفت میدهند؛ در همه ی بخشها. و امیدواریم که ان شاءالله این مژده ها در کمتر از يك نسل، تحقق پیدا کند و جوانان ما آن روزی را که ایران اسلامی در جایگاه شایسته ی خود قرار دارد، ببینند. آن روزی که ملتهای دنیا، دانشمندان و اندیشمندان عالم احساس کنند به ایران، به زبان ایران، به فرهنگ ایران نیاز دارند برای اینکه گامهای نوئی را در مسائل علمی بردارند، این روز شدنی است؛ امکان پذیر است. همچنانی که امروز برای فرا گرفتن بسیاری از فنون مورد نیاز بشری، انسان احتیاج دارد زبان فلان کشور و فلان ملت را فرا بگیرد؛ آن روز مردم دنیا احساس کنند که نیاز دارند زبان شما را بیاموزند؛ فرهنگ شما را بیاموزند. آن روز خواهد آمد و شدنی است. اگر ما همت کنیم و همین تلاشی که امروز مشاهده میشود، و همین انگیزه ای که امروز بحمدالله دلهای جوانان ما، اندیشمندان ما، مردم ما مالمال از آن هست، ان شاءالله ادامه پیدا کند - که پیدا هم خواهد کرد - آن روز خیلی دور نخواهد بود.

من بار دیگر از شما عزیزانی که در این جلسه شرکت کردید، بخصوص دوستانی که بیاناتی ایراد کردند، تشکر میکنم. و امیدوارم که ان شاءالله ما حق شناس این ظرفیتهای ممتاز که در این استان وجود دارد، باشیم.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته